



هیس! نماینده هافر یاد نمی زنند  
ویژه نامه طنز راه راه  
را در شماره امروز بخوانید

صفحات ۶۵ و ۱۱۶

عماد افروغ:

از تجربه برجام  
عبرت بگیریم

صفحه ۲



چهارشنبه ۱۷ مرداد ۱۳۹۷ ■ ۲۵ دی القعدہ ۱۴۳۹ ■ ۸ آگوست ۲۰۱۸ ■ سال دهم ■ شماره ۲۵۰۶ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان

۱۱۷۹ سال و ۲۵۴ روز گذشت

یادداشت امروز

## تاریخ درباره این سال ها چه خواهد گفت؟

■ حسن بندهقرانی ■

ما دیرگاهی است با کتابهای مان قهر کرده ایم. چه بسپارند کسانی که جز کتابهای درسی در طول دوران تحصیل، هرگز روی کتاب دیگری را ندیده اند و تصمیم قاطع دارند با همین رویه روزی به زیر خاک بروند! غریبه شدن با کتاب و ولو شدن در شبکه های اجتماعی و اینترنت اما چندان هم بی غرامت نیست. دوری از مطالعه عمیق و جدی، وزن تفکر را در جامعه تقلیل می دهد و آدمها را دهن بین، سطحی و هیستریک بار می آورد. در این دوران همه چیز سطحی و بی معنی می شود؛ فیلم های جدی و دردمند مثل دارکوب بیننده ندارد اما صف برای تماشای خزعبلات جنسی همیشه شلوغ است، کانال های جوک بیشترین مخاطب را دارد و روزبه روز بر تعداد سلبریتی ها و شاخ های اینستاگرامی افزوده می شود و از تعداد کنایه روشی ها کم می شود و تیرازها پایین می آید و به صفر میل می کند.

پس از مدتی، افراد بدون آنکه بفهمند، غلبان احساسات، اتخاذ تصمیم های مهم، شادی و ناراحتی های فردی و اجتماعی خود را بنا بر دریافتی که از همین منابع نامطمئن و سطحی دارند، شکل می دهند و همه چیز به شکلی نازیبا، سطحی و قشری می شود. چنین پدیده های وقتی به عرصه پیچیده ای چون سیاست سرریز می شود اما می تواند تاریخ، فرهنگ و منافع یک ملت را چه بسا برای مدتی مدید، دستخوش تباهی و اضمحلال کند. سیاست از آن رو که نقطه کانونی تدبیر سایر عرصه های اجتماعی، فرهنگی، علمی، هنری و... محسوب می شود بشدت چنین پتانسیلی را داراست. اگر نگاهی به آنچه در ۳-۴ سال اخیر در عرصه سیاسی کشور رخ داده، بیندازیم، معنای سطحی شدن و ابتذال در این مقوله را بهتر درک خواهیم کرد. بگذارید ابتدا سراغ مجلس برویم.

افکار عمومی تحت تاثیر شبکه های اجتماعی اسفندماه ۹۴ دست به انتخاب نمایندگانی زدند که از همان ابتدا گویی آمده بودند تا آنچه از آبروی مجلس و نام مدرس باقی مانده را به حراج بگذارند. دلیل هم مشخص تر از آن بود که قابل پوشاندن باشند. مردم بدون مطالعه و شناخت، تحت تاثیر فضا سازی های یک باند مشخص در شبکه های اجتماعی ترجیح دادند با تعلیل کردن تحلیل خود، دست به انتخاب لیستی ناشناس بزنند لیستی آنقدر ناشناس، ناشی و فاجعه بار که اردیبهشت ماه ۹۵ عباس عبدی از چهره های نزدیک به محمد خاتمی - به عنوان یابی اصلی لیست امید - طی یادداشتی به رئیس مجلس پیشنهاد داد: «جلد کتاب «اراده برای همه» و «بینش اقتصاد برای همه» نوشته دکتر علی سرزعی را تهیه کرده و به رایگان جهت مطالعه در اختیار نمایندگان قرار داده، در صورت امکان آزمون هم از آنها گرفته شود؛ نمایندگان مذکور هنوز کمدهای تلخی چون «هوزه لور»، «سلفی با موگرینی»، «استیضاح عباس آخوندی» و... را خلق نکرده بودند که آبان ماه ۹۵، الهه کولایی، استاد اصلاح طلب دانشگاه تهران به روزنامه اصلاح طلب «رمان امروز» گفت: «همیشه پول و قدرت در حوزه سیاست تاثیر گذار است. برخی کاندیداها از طریق رانت وارد لیست امید شدند و من این مساله را تکذیب نمی کنم». کش های شخصی هر یک از نمایندگان مذکور اما خود حدیث مفصل دیگری از تراز دی سیاست ایران طی چند سال اخیر است. روزی یک نفرشان در تریبون مجلس برای سهم پدرش از سفره انقلاب نطق انقلابی (!) می کند و روزی دیگر یکی شان می گوید حقوق نمایندگان کم است، فردا نگوئید چرا نماینده ها دزد می شوند! علاوه بر این، در شرح خدمات قبلی خود به این آب و خاک می گوید من قبل از دانشگاه می خوابیدم

و ماهی ۸ میلیون تومان می گرفتم! هم او بعدا به مناسبت رسیدن شمار دنبال کنندگان صفحه اش در همان شبکه های اجتماعی سطحی و فریبنده به K18، کیک تولد می گیرد و حسایی جشن و پایکوبی به راه می اندازد. پرواضح است چنین نوابغی با این سطح از عمق اگر بخواهند در مسائل سیاسی- امنیتی کشور وارد شده، تصمیم نه، حتی اظهار نظر کنند، چه خطراتی کبان کشور و منافع ملی را تهدید خواهد کرد. ما اما همین ها را گذاشته ایم تا ۴ سال برای تمام مملکت حرف بزنند، که حرف های شان تبدیل به قانون اجرایی در تمام ایران شود. و برآستی اینها اگر اسمش مرثیه نیست، چه نام دارد؟

ادامه در صفحه ۱۶



تکس، علی، محمدی، آژانس عکس ایران

■ دلار در بازار ثانویه ۸۹۵۰ تومان  
و در بازار آزاد با قیمت های مختلف  
در کانال ۹ هزار تومان  
خرید و فروش شد  
■ سقوط آزاد قیمت سکه  
با صف طولانی فروشندگان

## پارادوکس در واشنگتن

■ نوبدمؤمن ■

ایران قدرتمند هدایت و مدیریت کند! بخش اعظمی از پارادوکس رفتاری مقامات آمریکایی در قبال ایران، معلول همین منازعه پایدار فکری بر سر کشورمان است. به عبارت بهتر، مقامات آمریکایی مسبوق به سابقه است. این میان گزاره های «شناسایی قدرت ایران» و «تقابل مطلق با ایران» دست و پا می زنند، نمی توان از سیاستمدارانی مانند ترامپ و پمپئو انتظار داشت رفتاری ثابت در قبال کشورمان داشته باشند. در اینجا حقیقت دیگری وجود دارد که بسیاری از مقامات آمریکایی، اعم از نظریه پردازان و سیاستمداران به صورت غیرآرادی آن را انکار می کنند: اینکه آمریکا به صورت ناخوایسته وارد فاز شناسایی ایران قدرتمند شده است! به عبارت بهتر، از «نومحافظه کاران سرسخت آمریکایی» تا «دموکرات های چند چهره» همگی به این نتیجه رسیده اند که ایران تنها بازیگری در منطقه و جهان است که قادر است ضمن عینیت بخشی به قدرت منطقه ای و بین المللی خود، بازی ایالات متحده و متحدان آن در نظام بین الملل را نیز بر هم بریزد. این موضوع در محاسبات سیاست خارجی آمریکا (خصوصا از ابتدای هزاره سوم تاکنون) تبدیل به یک گزاره ثابت و راهبردی شده است. هر اندازه مقامات آمریکایی در گفتار ظاهری خود بیخوشی به قدرت این «گزاره ثابت» و «پیش فرض محکم» فاصله می گیرند، رفتار پارادوکسیکال آنها در قبال کشورمان نمود بیشتری پیدا می کند. این قاعده دربارۀ اظهارات دوگانه اخیر ترامپ و پمپئو نیز صدق می کند. آشفتگی فکری مقامات آمریکایی در قبال ایران، فاکتور و مولفه ای که نباید آن را در تحلیل رفتار مقامات آمریکایی نادیده انگاشت.

۲- بدون شک موضوع منازعه و دیالکتیک بعدی در آمریکا، «پذیرش ایران قدرتمند» نخواهد بود!

نگاه رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا اخیرا اظهار کرده حاضر است «بدون پیش شرط» و در «هر مکانی» با مقامات ایرانی دیدار و گفتگو کند! با این حال ساعاتی پس از اظهارات دونالد ترامپ، وزیر خارجه آمریکا تاکید کرده است ملاقات با مقامات ایرانی پیش شرطهایی دارد که تغییر رفتار ایران (!) یکی از آنهاست. برآستی این دوگانگی چگونه قابل توجیه و تفسیر است؟ آیا این پارادوکس گفتاری، نشأت گرفته از نوعی محاسبه تاکتیکی در میان مقامات آمریکایی است؟ آیا میان ترامپ و پمپئو تقسیم کاری در این باره انجام شده است؟ آیا می توان اظهارات دوگانه اخیر مقامات آمریکایی را در قالب سیاست «چماق و هویج» مورد تجزیه و تحلیل قرار داد؟

۱- جهت تشریح رویکرد فعلی حاکم بر کاخ سفید در قبال کشورمان و تحلیل دوگانگی های رفتاری موجود میان مقامات آمریکایی، لازم است تعریف ساده ای از واژه «پارادوکس» ارائه دهیم. پارادوکس به گزاره ای اطلاق می شود که با گزاره های قبلی گفته شده از سوی نظریه پردازان همان ساختار یا دستگاه یا با یکی از باورهای مبنایی و عمومی در تناقض باشد. در علم منطق، پارادوکس به احکامی گفته می شود که منجر به تناقض شده و با شهود مطابقت ندارد. فراتر از آن، به جملات متناقضی که یک «حقیقت واحد» را در عمل بیان می کنند نیز



تیتربهای امروز

یکی از مدیران هوافضای سپاه در پاسخ به برخی اظهار نظر های غیر کارشناسی تشریح کرد

## مشخصات کرو ز ۱۵۰۰ کیلومتری

صفحه ۲

وزیر خارجه کره شمالی دپرو ز در تهران با محمدجواد ظریف دیدار کرد

## افزایش روابط دولت روحانی و کره شمالی



صفحه ۲

بژمانفر در گفت و گو با «وطن امروز» از برخی فشار های دولتی ها برای شکست طرح سوال از رئیس جمهور پر ده برداشت

## جعل امضا برای فرار از پاسخگویی

صفحه ۲

گزارش «وطن امروز» از ۴ فیلم جدیدی که به چرخه اکران سینماها تنوع می بخشند

## مژده ابوقریب

صفحه ۱۳

روزنه

## پر در دسر برای وارث

■ سمیرا کریمشاهی ■

اگر بگوییم این روزها جای آیت الله هاشمی رفسنجانی خالی است، بیراه نگفته ایم. البته نه به خاطر اینکه نقش «مرد بحران ها» را ایفا کند و با نزدیکش هم نظر باشیم که در بحبوحه انواع مشکلات کشور، از هاشمی رفسنجانی است که می توانست نقش «مرد عبور از بحران ها» را ایفا کند و دست گیر دولت روحانی باشد؛ حیاتش لازم بود تا نظاره گر سرنوشت تمام رویکردهایی باشد که به عقیده اش قطار کشور را در مسیر توسعه، پیشرفت و رفاه ریل گذاری می کرده و رویکردهایی که مهم ترین آنها عادی سازی رابطه بین ایران و آمریکا بود. در ایام مذاکرات هسته ای، روند کار اگر مورد انتقاد افرادی که بر جرس دلواپسان روی آنها زدند، قرار می گرفت، به همان اندازه برای رفسنجانی رضایت بخش بود. او طی یک مصاحبه با ابرار رضایت از گفت و گو ی طرف ایرانی با آمریکایی ها اعلام کرد: «تابوی مذاکره با آمریکا شکست و البته مخالفان آن هنوز هم دست و پا می زنند! اگر تحول در حوزه سیاست خارجی نبود تحول در جاهای دیگر سخت بود و توافق باعث شد که یک جنگ سرد طولانی و تنش پایان یابد». آنچه که آیت الله رفسنجانی دست و پا زدن تعبیر می کند و به زعم خودش با شکستن تابوی مذاکره با آمریکا در مقابل اندیشه های آنها به پیروزی رسیده است، رویکردی است که در طول تاریخ ۴۰ ساله انقلاب، دلسوزان آن همواره تاکید کرده اند آمریکا به عنوان دشمن دائمی ایران در هر شرایطی غیر قابل اعتماد است و هر گونه رابطه با آنها جز ضرر برای ایران آورده ای ندارد. در مقابل هاشمی رفسنجانی به عنوان رهبر گروهی ایفای نقش کرده است که به دنبال رابطه با آمریکا بودند و چنین ارتباطی را برای ادامه حیات ایران لازم می دانستند.

حسین موسویان، سفیر سابق ایران در آلمان به عنوان عضوی از اندیشه های که رفسنجانی آن را رهبری می کنند، در کتاب خود با عنوان «یران و آمریکا، گذشته شکست خورده و مسیر اشتی»، خاطراتی را نقل می کند که مؤید نقش هاشمی در طول تاریخ به منظور عادی سازی رابطه با آمریکاست: «رفسنجانی در آن مقطع (سال ۶۸) دومین مرد قدرتمند ایران پس از امام خمینی بود که از مذاکره و عادی سازی روابط با ایالات متحده پشتیبانی می کرد»، «رفسنجانی با استفاده از کانال های مختلف و هر ابزاری که در اختیار داشت برای دستیابی به توافق با ایالات متحده تلاش می کرد.

ادامه در صفحه ۱۶